خبر

حمله وحشیانه هواداران فوتبال اسرائیل به ۲ فلسطینی

هواداران تیم بیتار اسرائیل بار دیگر نژادپرستی خود را به دنیا نشان دادند.

شـبکه الجزیره از حمله وحشیانه هواداران تیم بیتار اورشلیم بعد از باخت در فینال جام حذفی مقابل هاپوئل به رانندگان اتوبوس فلسطینی در قدس اشغالی خبر داد.

تیم بیتار اورشلیم به عنوان نژادپرست‌ترین باشگاه فوتبال دنیا شناخته می‌شود.

دیدار فینال جام حذفی فوتبال اسرائیل میان ۲ تیم بیتار و هاپوئل برگزار شد.

این بازی برای لحظاتی به دلیل حملات موشکی یمن به فلسطین اشغالی متوقف شد و در نهایت با نتیجه ۲ بر صفر به نفع هاپوئل به پایان رسید.

شبکه الجزیره اعلام کرد: بعد از باخت در فینال، هواداران بیتار که نژادپرست‌ترین هواداران فوتبال جهان هستند، به ۲ راننده اتوبوس فلسطینی حمله کردند.

بر اساس گزارش الجزیره، هر زمان که جوانان نژادپرست هوادار بیتار از چیزی ناامید می‌شـوند، خشـم خود را سر فلسطینی‌ها خالی می‌کنند؛ ترجیحاً اهداف آسانی مانند رانندگان اتوبوس یا سـایر فلسطینی‌هایی که در مناطق عمدتاً صهیونیست‌نشین کار می‌کنند.

یادداشت

نمایش چشمگیر تیم ملی والیبال ایران در نخستین گام با شکست ایتالیا

طلوع نسل جدید با پیاتزا

مهدی تقوی

تیم ملی والیبال ایران بعد از سال‌ها فراز و نشیب، این بار با ترکیبی جوان‌تر و سرمربی جدید ایتالیایی‌اش، روبرتو پیاتـزا، در خـاک ایتالیا به مصاف تیم ملی میزبان رفت و در دیداری تدارکاتی موفق شد با نتیجه ۳ بر ۲ ایتالیا را شکست دهد. این پیروزی نه فقط یک نتیجه در بازی‌ای دوستانه، بلکه نوید روزهای امیدوارکننده‌ای برای والیبال ایران و دورانی تازه تحت رهبری پیاتزاست.

والیبال ایران این روزها از یک بازسـازی بنیادی عبور می‌کند؛ دوران پرافت و خیز گذشته با دوران تازه‌ای جایگزین شده که در آن اعتماد به جوان‌ها و تغییر نگرش فنی، اولویت کادر فنی است. پیاتزا که سابقه کار در باشگاه‌ها و تیم‌های ملی اروپایی را دارد، آمده تا با نسـل جدید والیبال ایران، تیمی هماهنگ، سـریع و جنگنده بسازد. بعد از برگزاری جشن بزرگ والیبال در تهران و استقبال گرم هواداران، تیم ملی عازم ایتالیا شد تا اردویی چند روزه را پشت سر بگذارد و مقابل میزبان قدرتمندش به محک فنی برسد.

■ **ست اول: نبرد نزدیک**

دیدار با ایتالیا از همان ابتدا در بالاترین سطح برگزار شد. ست اول با رقابتی نزدیک و نفسگیر همراه بود؛ تیم ایران با ارائه یک بازی حساب‌شده و جنگنده، تا امتیازات پایانی رقابت را برابر نگه داشت اما در نهایت ایتالیا با یک دفاع فوق‌العاده و مهار اسپک محکم بردیا سعادت، ست نخسـت را ۲۵ بر ۲۳ از آن خود کرد. نتیجه نزدیک این ست، نشان از قدرت ۲ تیم و آمادگی بالای‌شان داشت.

■ **ست دوم: بازگشت مقتدرانه ایران**

ست دوم، شاگردان پیاتزا تمام معادلات را به نفع خود تغییر دادند. با نمایش تکنیکی و سـرعتی بالا، تیم ملی والیبال ایران کار را از ابتدا در دست گرفت و اختلاف امتیاز ایجاد کرد. دفاع منسجم و حملات منظم باعث شد تیم ایران ست دوم را با نتیجه قاطع ۲۵ بر ۱۸ به پایان برساند تا بازی به تساوی کشیده شود.

■ **ست سوم: افت ایران و فرصتی برای ایتالیا**

ست سوم نقطه ضعفی کوتاه‌مدت برای تیم ایران بود. بازی هماهنگ و منسجم تیم ملی افت محسوسی داشت و این فرصت را به ایتالیا داد تا فاصله امتیازی فاحشـی ایجاد کند و با نتیجه ۲۵ بر ۱۴ به پیروزی برسد. این افت ناگهانی اما نکته‌ای مهم برای کادر فنی بود تا نقاط ضعف تیم را اصلاح کند و دوباره تیم را به مسیر پیروزی برگرداند.

■ **ست چهارم: بازگشت ایران به بازی**

سـت چهارم بار دیگر ایران نشان داد تیمی جنگنده است. شـاگردان پیاتزا بازی حساب‌شده‌ای ارائه دادند و فاصله امتیازی مناسبی با حریف ایتالیایی ایجاد کردند. اگرچه در پایان ست ایتالیا نزدیک شد اما تیم ملی ایران با هوشیاری و تمرکز کامل موفق شد ست را ۲۵ بر ۲۱ ببرد و کار را به ست پنجم بکشاند.

■ **ست پنجم: پیروزی ارزشمند و آغاز فصلی نو**

ست سرنوشت‌ساز پنجم، صحنه نمایش قدرت واقعی تیم ملی ایران بود. شـاگردان پیاتـزا با روحیه و اعتماد بـه نفس بالا، از همـان ابتدا میدان را در اختیار گرفتند و توانسـتند با نتیجه ۱۵ بـر ۱۱ حریف قدرتمند خود را شکسـت دهند. این پیروزی شـیرین در خاک ایتالیا نویدبخش شروعی درخشـان برای سرمربی ایتالیایی و تیم ملی ایران در آستانه لیگ ملت‌هاست.

روبرتو پیاتزا در صحبت‌های پیش از مسـابقه تاکید داشـت هدف اصلی‌اش ساختن تیمی جوان و هماهنگ اسـت که بتواند در رقابت‌های پیش رو عملکردی موفق داشته باشـد. پیاتزا که با نگاهی مدرن و تجربه اروپایی به والیبال ایران آمده، اعتقاد دارد با همین نسـل جدید می‌توان بار دیگر والیبال ایران را در سطح جهان مطرح کرد. او تاکید کرد در کنار حفظ بازیکنان باتجربه، استفاده از جوان‌ها و ایجاد انسـجام تیمی، مهم‌ترین اصل برای موفقیت است.

هواداران والیبال ایران پس از چند سال دشوار، دوباره شاهد نمایشی امیدوارکننده از تیم ملی خود بودند و به آینده‌ای روشن‌تر امیدوار شدند. آنها انتظار دارند این روند موفقیت‌آمیز با شـروع لیگ ملت‌ها ادامه داشته باشد و تیم ملی ایران بتواند با ترکیبی از جوانی و تجربه، رقبای قدرتمند را به چالش بکشد.

این پیروزی ارزشمند مقابل ایتالیا که یکی از قدرت‌های والیبال جهان اسـت، پیام روشـنی دارد؛ دوران تازه‌ای آغاز شـده، نسلی نو و سـرمربی‌ای که می‌خواهد تیم را بـه روزهای اوج بازگرداند. حالا همـه نگاه‌ها به پیاتزا و شـاگردانش در رقابت‌های پیـش رو در لیگ ملت‌های ۲۰۲۵ دوخته شده است.

سرانجام وحید امیری به صورت رسمی و با نظر باشگاه از پرسپولیس جدا شد

جنتلمن یکرنگ

مهدی طاهرخانی

قصه قرمزها بـا وحید امیری، کم‌وبیـش از آن گل تاریخـی شروع شد. گلی که زد، تقریبا آفسـاید بود. اگر آن روز «وار» بود، خط می‌کشـیدند و قطعا گل مردود می‌شد اما نبود مثل همین لیگ بیست‌وسوم که گولسیانی گل قهرمانی را به مس رفسنجان زد و وار نبود. تاج بابت دومی عذر خواست اما اولی یتیم بود و کسی گردن نگرفت آن را.

اگر وحید آن گل را در لباس نفت تهران به پرسـپولیس نمی‌زد، یکی دو هفته بعد، شاگردان برانکو جام را مقابل راه‌آهن بالای سر می‌بردند. برانکو، همه چیز را حساب کرده بود. حتی مساوی در همان بازی را، که با برد هفته آخر، قهرمانی قطعی می‌شد اما ...

اما همان پرتاب اوت و تک‌به‌تکِ وحید امیری و عجیب‌تر از آن، واکنش سوشا مکانی، همه چیز را بر باد داد. یک فصل زحمت بازیکنان رفت روی هوا. یک گل، یک اشـتباه و یک جام که از پرسپولیس گرفته شد.

آن روزها، خیلی‌ها می‌گفتند وحید امیری، سـیدجلال حسینی و علیرضا بیرانوند با علیرضا منصوریان راهی استقلال می‌شوند.

حـرف بی‌راهی هم نبود. بیرانونـد آن موقع‌ها از ارادتش به آبی‌ها می‌گفت، سیدجلال از عدم انتخابش توسط برانکو در ابتدای لیگ پانزدهم ناراضی بود و وحید. او مثل همیشه آرام بود. نه مثل بیرانوند وانمود می‌کرد آبی اسـت، نه مثل خیلی‌های دیگر، شعار می‌داد. فقط ساکت بود. مردی که در زمین حرف می‌زد.

از لای پای سوشا مکانی جام را ربود و عجیب اینکه همان گل بهانه‌ای شد برای ۵ قهرمانی متوالی پرسپولیس. گاهی تنها یک شکست، می‌شود شـالوده یک عصر باشکوه. برای پرسپولیس، آن باخت شاید چنین نقشی را داشت.

حـالا وحید امیری رفته. بی‌سـروصدا. بدون حاشـیه و جنجال. مردی که هیچ‌وقت از خیل میلیونی هواداران افراطی پرسپولیس طمع نکرد و برای خویشتن ارتش مجازی نساخت.

نه به کسی اتهام زد، نه پشت این و آن حرف. مادامی که لباس سرخ را بر تن داشت آقا بود، باوقار، ساکت واقعی حتی واقعی‌تر از ساکت الهامی!

وقتی مصدومیتش تمام شـد، کارتال درست مثل همه مربیان قبلی، او را فیکس گذاشت. مهره مار داشتن یعنی همین.

کارتال مجنون وحید نبود ولی به وضوح او را می‌خواست. آنطور که خبر موثق داشتیم همین فروردین، گفته بود: بین امید و وحیـد، فقط یکی می‌ماند. نگفت امید قطعاً می‌رود. شاید چون وحید ۳۷ ساله است و امید ۳۳ ساله، انتخاب برای کارتال ساده‌تر شد. مخصوصا وقتی سیاست باشگاه کم کردن میانگین سنی تیم شد.

در لیگ ۲۴ وحید فقط یک بار مصدوم شـد، در بازی با ملوان دقیقه ۹۰+۵. ضربه‌ای به پشت زانو. خودش می‌گوید شاید برنامه درمانش درست نبود. یک مصدومیت نه چندان بزرگ که بیش از حد کش پیدا کرد.

و حالا... در پرسپولیس به پایان خط رسیده است.

شاید اگر اندکی در فضای مجازی بیشتر حضور داشت، اگر چند دوست رسانه‌ای پر شالش بودند، امروز می‌ماند.

اما انتخاب کارتال بود و باید به آن احترام گذاشت. برای هر تیم موفقی، حرف سرمربی حجت است.

دست آخر قرعه ماندن به نام امید عالیشاه افتاد اما هنوز نیمچه اختلافاتی درباره مدت قراردادش هست. یک سال؟ ۲ سال؟ بند تمدید؟

هر چه هست، اگر امید بتواند سالم بماند و در بیش از ۵۰ درصد رقابت‌ها حاضر باشد، چرا نماند؟ سال بعد و حتی سال بعدترش. همان‌طور که وحید امیری تا ۳۷ سالگی دوام آورد.

چـه چیزی از این بهتر که حتی در آخرین بازی‌هایش با لباس قرمز، فیکس بود و عالی بازی کرد.

هر مربی دست آخر مجبور به یک انتخاب می‌شود و چه خوب که هواداران پرسـپولیس بعد شنیدن این خبر دچار انشقاق و چنددستگی نشدند. هیچ آفتی بدتر از چندصدایی نیست.

مرسی از وحید امیری که جنتلمنانه این محبت را در حق محبوب ابدی‌اش کرد.

خودش می‌داند و ما که چه محبتی در حق پرسپولیس کرد.

خداحافـظ جنتلمن واقعی. هنوز یک قـدم هم از ما دور نشده‌ای، دل‌مان برای یکرنگی‌ات تنگ شد.

چه کیمیایی است این یکرنگی!

امیری بی‌پیرایه، جاودانه در قلب پرسپولیس

وداع با سرباز بی‌سلاح

پرونده وحید امیری در پرسـپولیس، بی‌سروصدا بسته شد؛ نه اشکی، نه تشویقی، نه حتی یک قاب خداحافظی. فقط یک جمله خشـک از مدیرعامل باشگاه کافی بود تا پررنگ‌ترین صفحه یک دهه افتخار، به حاشـیه رانده شود. بازیکنی که از قهرمانی‌ها آمده بود، با سـکوت کنار گذاشته شـد. وحید امیری را شاید نشود در قاب‌های بزرگنمایی ژورنالیستی جا داد. نه دنبال جنجال بود، نه اهل مصاحبه‌های تیترساز اما هر جا پرسپولیس زخمی بود، امیری مُسکن شد؛ در دفاع، در حمله، در میانه، هر جا لازم بود. آچار فرانسه؟ کم است. وی «جعبه ابزار متحرک» پرسپولیس بود، همیشه آماده، همیشه مؤثر. شاید هنوز باورش سخت باشد که بازیکنی با رکورد ۱۲۷ پیروزی در تاریخ لیگ برتر با پیراهن پرسپولیس، بدون هیچ مراسمی کنار گذاشته شود. بازیکنی که در ۲۵۴ بازی، ۲۶ گل زد، ۴۱ پـاس گل داد، ۲ پنالتی گرفت و مهم‌تر از همه، حتی یک بار هم کارت قرمز نگرفت. مردی با انضباط ارتشی، بی‌سروصدا و بی‌ادعا اما مؤثر و تعیین‌کننده. امیری نه فقط یکی از ۶ بازیکن پرافتخار تاریخ باشگاه بود، بلکه «ضمانت‌نامه‌ای» برای روزهای سخت هم بود. هر بار کادر فنی از کمبودها شـکایت داشت، نگاه‌ها می‌رفت سمت همان شماره‌ای که در زمین بی‌صدا می‌دوید. امیری را باید در کلاس بازیکنانی گذاشت که نمی‌درخشند اما تیم را روشن نگه می‌دارند. شمع‌هایی که خود می‌سوزند تا قهرمانی‌ها روشن بمانند. او برای پرسپولیس گل قهرمانی زد، در داربی هم گل زد و هم گل ساخت، بازی برگرداند، بحران حل کرد و پست‌هایی را پوشش داد که حتی خودش هم احتمالش را نمی‌داد. اما پایان کارش؟ یک جمله سـاده از درویش؛ همان مدیری که در این سال‌ها بارها نشان داد برای آدم‌ها، عددها مهم‌تر از خاطره‌هاست. این وداع بی‌کلام، دردی است شبیه رفتن پدر از خانه‌ای که خودش ساخته. خانه سر جایش هست اما بی‌روح، بی‌گرما. هوادار شاید عادت کرده باشد به رفت‌وآمد ستاره‌ها اما فراموش نمی‌کند مردی را که بی‌ادعا بازی کرد، بی‌هیاهو رفت و با غرورش ایستاد؛ حتی در روزی که باید به احترامش بلند می‌شدند اما سکوت کردند. امیری را دیگر در ترکیب فصل آینده پرسپولیس نمی‌بینیم اما جای پایش روی چمن آزادی، در ذهن هوادار و در تاریخ پرسپولیس باقی می‌ماند. نه به خاطر عددها، نه به خاطر جام‌ها؛ به خاطر اینکه وقتی همه شـعار می‌دادند، او کار می‌کرد. او رفت اما این سوال ماند: پرسپولیس بدون امیری، چقدر از خودش را از دست داد؟

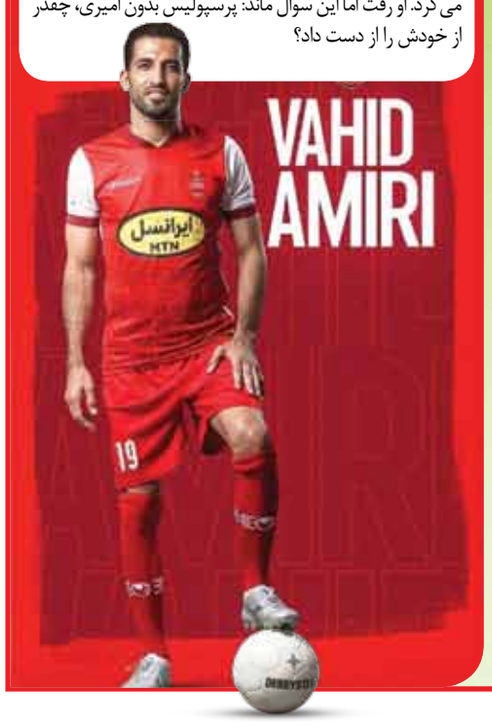

به جا مانده از فینال جام حذفی بعد از قهرمانی استقلال

و حالا معمای جباری

عبدالله دارابی

تیم استقلال که دوره ناموفقی را در لیگ برتر ۲۴ پشت سر گذاشت، در جـام حذفی در فینالـی که به طرز جالبی با عدد ۸ قرین شـده بود، به رهبری ششمین سرمربی فصل جاری خود، مجتبی جباری، با پیروزی بر تیم ملوان بندر انزلی موفق به فتح جام حذفی ایران شد تا فصل بد خود را با ایده‌آل‌ترین نتیجه به پایان ببرد و با کسب هشتمین قهرمانی، عنوان پرافتخارترین تیم این جام را نیز به خود اختصاص دهد. استقلال در فصل ۸۷-۸۶ نیز چنین شرایطی را تجربه کرده بود؛ آنها در لیگ برتر ۱۸ تیمی آن سال با هدایت مرحوم حجازی و سپس فیروز کریمی سیزدهم شدند ولی با سومین سرمربی خود، امیر قلعه‌نویی، بر سکوی قهرمانی جام حذفی همان فصل ایستادند.

قهرمانی ایـن دوره اما از جهاتی حائز اهمیـت ویژه‌ای برای آبی‌پوشان است.

۱- قهرمانی در فصلی که آبی‌پوشـان علاوه بر اوضاع نابسـامان، بیشترین تغییر در سطح مدیریت و بویژه کادر فنی را داشتند.

۲- قهرمانی با هدایت سرمربی‌ای که نخستین تجربه مربیگری خود را پشـت سر می‌گذاشـت و در ششمین بازی طی ۳۵ روز سرمربیگری، توانست نخستین جام قهرمانی خود را به دست آورد.

اگرچه مجتبی جباری در مجموع، فقط ۶ بازی هدایت استقلال را برعهده داشت و در جام حذفی نیز تنها ۳ بازی پایانی را عهده‌دار این مسـؤولیت بود و استقلال هم نسبت به ملوان مسیر تقریبا راحت‌تری را برای رسیدن به فینال طی کرد ولی سختی‌های این مسیر برای او و تیمش با توجه به اوضاع بغرنج کم‌نظیر باشگاه و بی‌تجربه بودن وی در این سمت، بیشتر از تیم ملوان و همتایش، مازیار زارع بود، لذا کسب قهرمانی با چنین اوصافی، حقیقتا کار بزرگی است، چرا که جباری جوان و بی‌تجربه در عرصه مربیگری، با درایت، فهم و انتخاب مسیر و ابزار درست، توانست این وظیفه خطیر را در بدترین شرایط باشگاه به سرمنزل مقصود سوق دهد. بنابراین بزرگنمایی مباحثی چون مسیر راحت استقلال برای قهرمانی (با عنایت به مشکلات مذکـور)، هم کم‌ارزش کردن توفیق بزرگ جباری و استقلال (با وجود چنان شرایطی) و هم کوچک شمردن کار ملوان و سرمربی‌اش، مازیار زارع در رسیدن به فینال است، چرا که اگر معتقد باشیم استقلال رقبای آسانی برای قهرمانی داشته اسـت، لاجرم یکی از آن رقبای آسـان خود تیم ملوان محسوب می‌شـود. وانگهی! اسـتقلال در همین مسیر آسان، تیم شـمس‌آذر را حذف کرد که در لیگ برتر موفق به شکست ملوان شد، یا پیکانی را شکست داد که استقلال و فولاد خوزستانی را حذف کرده بود که در لیگ برتر ملوان را برده بودند یا قبل از فینال بر صنعت نفت چیره شد که در این جام آلومینیوم اراک را از سر راه برداشته بود که ملوان را در بازی‌های رفت و برگشت لیگ برتر متوقف کرده بود. علاوه بر اینها مگر استقلال حریفانش را اختیاری گلچین کرده بود؟!

مبحث دیگر، سرنوشت انتخاب سرمربی آبی‌پوشان با توجه به این قهرمانی است. مدیران استقلال از بدو روی کار آمدن، وعده انتخاب سرمربی بزرگ خارجی را داده‌اند و اکنون با قهرمانی‌ای که جباری با این تیم کسب کرده، هم این سرمربی توقع ابقا در این سمت را دارد و هم مدیریت استقلال کلاف خود را سردرگم‌تر از پیش می‌بیند و مطمئنا با چالشی جدی در انتخاب سرمربی مواجه می‌شود، زیرا جباری که قبلا بارها از سوی مدیریت به عنوان دستیار حتمی سرمربی خارجی آتی استقلال معرفی شـده بود، پس از کسب قهرمانی رسما اعلام کرد دیگر هرگز عنوان دسـتیاری را نمی‌پذیرد و فقط در نقش نفر اول حاضر به همکاری با استقلال یا هر تیم دیگری است. با این شرایط چنانچه هنوز مدیران استقلال بر انتخاب سرمربی خارجی اصرار دارنـد، چاره‌ای جـز انتخاب یک سرمربی خوب و کارآمد خارجی نخواهند داشت تا در آینـده چنین حرجی بر آنها نباشد که یک مربی ناکارآمد را جایگزین مربی‌ای که جام‌آورده کردند. مسلما کسب قهرمانی جام حذفی انتخاب سرمربی فصل بعد این باشگاه را سخت‌تر خواهد کرد.

مشکلات و گلایه‌هایی که مجتبی جباری در برنامه شب‌های فوتبالی مطرح کرد و مستقیما نیز به مدیران استقلال برمی‌گشت، شاید کار توافق طرفین برای همکاری احتمالی مجدد را با مشکل مواجه کند، مگر اینکه شرایط مورد درخواست این سرمربی فراهم شود. از طرفی گلایه‌هایی که جباری نسبت به عملکرد مدیریت باشگاه در این مدت داشت و مواردی که عنوان کرد از جمله انتخاب بوژوویچ با کارایی و دانش پایین که در عملکردش نیز محسوس بود و سـپردن زمام امور فنی به سیدورفی که اطلاع درخوری از فوتبال ما و باشگاه استقلال ندارد، چشم‌انداز چندان امیدبخشی از نحوه مدیریت باشگاه استقلال به تصویر نمی‌کشد که خود جای حرف و تامل بسیار دارد!

به هر حال جبـاری که قبلا اعلام کرده بود آمادگی پذیرش سرمربیگری آبی‌پوشان را در فصل بعد ندارد، اکنون پس از آوردن نخستین قهرمانی در قامت جدید، تغییر موضع داد و با رد پذیرش دستیاری، تصمیم خود بر فعالیت به عنوان نفر اول نیمکت را علنی کرد. آیا این تغییر موضع با کسب قهرمانی، به ایمان به توانایی خود یا تغییر دیدگاه وی یا مدیریت باشگاه برمی‌گردد؟ آینده روشن خواهد کرد... ولی آنچه لازم به یادآوری است آنکه جباری نخستین سـرمربی استقلال است که در نخستین فصل حضور خود روی نیمکت این تیم و مهم‌تر از آن در نخستین تجربه مربیگری خود، توانست این تیم را آن هم در شرایطی نامناسب به قهرمانی برساند؛ افتخاری که حتی قلعه‌نویی و مجیدی موفق به کسب آن نشدند و احتمالا این عمده دلیل تغییر موضع این سرمربی جوان و آینده‌دار باشد. باید منتظر ماند و دید آیا ۸ شاکی در عرصه سرمربیگری نیز شاکی از آب در می‌آید؟

[آ.اس]
خوش آمدی

[گاتزتا]
همه برای یکی

[اسپورت]
مشکل با تراشتگن

[مارکا]
مردی درخور جام جهانی

[اکیپ]
ستاره قابل دسترسی